

مردم

از کان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال اول، شماره ۱۷۳  
پنجشنبه ۲۷ اسفندماه ۱۳۵۸ - ۱۳۵۸ شماره ۱۵۵ روال

### دانشجویان مسلمان پیر و خط امام اسناد جدیدی را درباره توطئه آمریکا علیه انقلاب ایران و رهبران امام خمینی افشا کردند

دیروز دانشجویان مسلمان پیر و خط امام اسناد جدیدی را درباره توطئه آمریکا علیه انقلاب ایران و رهبران آن امام خمینی، ارتباط گروه فرقان با آمریکا و فعالیت‌های جاسوسی و ضد-انقلابی هوشنگ نهاوندی، اویسی و فیروز زهری افشا کردند. متن این اسناد در شماره آینده به اطلاع خوانندگان گرامی خواهد رسید.

# عقل امیر یالیسم

## زائیده ماهیت امیر یالیسم و در خدمت سیاست امیر یالیستی است

در ارتباط مستقیم با این امر است که گسترش نقش پانک ها کیفیت تازه‌ای را بوجود می‌آورد و در نتیجه توأم شدن سرمایه‌داری صنعتی و سرمایه مالی، پدیده‌ی نوین نام «لیکارتی مالی» (حاکمیت گروه کوچک میلیاردرها) بوجود می‌آید. همین تمرکز بیش از حد (حدود ملی، دولتی، کشوری) سرمایه‌داری است که شرایط ضروری برای صدور سرمایه را بوجود می‌آورد. و این «صدور سرمایه» (به تمایز از «صدور کالا») یکی دیگر از خصائص اساسی مرحله امیر یالیستی سرمایه‌داریست. در این مرحله است که «اتحادیه‌های جهانی» سرمایه‌داران بوجود می‌آید که دنیا را بین خود تقسیم کرده‌اند. در این مرحله از گسترش سرمایه‌داریست که تقسیم جهان بین بزرگترین دولت‌های سرمایه‌داری (امپریالیستی) پایان یافته و مسئله «تجدید تقسیم جهان پیش آمده است. بطور خلاصه اینهاست آن خصائص اساسی و کلی امپریالیسم که از ماهیت اقتصادی - تاریخی آن ناشی می‌شوند. و همین ماهیت عمده اقتصادی - تاریخی است که سیاست دولت‌های امپریالیستی را تعیین می‌کند.

عقل امپریالیسم زائیده همین ماهیت عمده امپریالیسم و در خدمت سیاست امپریالیستی است. دولت‌ها (و رجال دولتی) امپریالیستی فقط بر اساس این ماهیت عمده و در چارچوب این سیاست معین شده است که عمل می‌کنند. همین ماهیت عمده اقتصادی - تاریخی امپریالیسم است که مناسبات دولت آمریکا را با دولت‌های دیگر از جمله دولت ایران در خطوط اصلی و کلی خود تعیین می‌کند.

وقتی دولت امپریالیستی آمریکا از شاه مخلوع ایران حمایت می‌کند، «اشتباه» نمی‌کند، بلکه سیاست امپریالیسم آمریکا را در عمل پیاده می‌کند. و سیاست امپریالیستی مابقی جهان نیز نتواند باشد. در داخل این خطوط اساسی و کلی است که دولت‌ها (و شخصیت‌ها) امپریالیستی «بیتوانند حرکت کنند و به مانور بپردازند. مثلا اگر آقای کندی در جریان مبارزات انتخاباتی آمریکا کثرت را بپسندد و مناسبات دولت او پائین مخلوع مورد انتقاد قرار می‌دهد، فقط در حدود این خطوط اساسی و کلی و در واقع بخاطر اجرای (ادامه) همان سیاست، یعنی ناشی از ماهیت عمده اقتصادی - تاریخی امپریالیسم است. از اینرو نیز اگر آقای کندی «باشبها» کثرت در حمایت از شاه مخلوع ایران اعتراف کند، جای تعجب نیست. اما چیزی از تأسف است که برخی مقامات مسئول ایران انقلابی (و رسانه‌های ارتباط جمعی) با مصطلح «اعتراف» به چنین «اشتباهی» را از طرف دولت امپریالیستی آمریکا شرط ادامه مناسبات امپریالیسم آمریکا با ایران بدانند و «برسمیت شناختن استقلال ایران» را بوسیله آن دولت کافی بشمارند. مگر امپریالیسم آمریکا در تمام مدت مدید تسلط خانمان بر انداز اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، نظامی و فرهنگی خود بر ایران هیچگاه مکر برسمیت شناختن استقلال ایران بوده است؟! و آیا این کافی است که دولت آمریکا «تقاضا در مورد بازگرداندن شاه و قوت او را حق مسلم ایران بدانند؟! و اساساً این حق مسلم ایران چه احتیاجی به شناسایی از طرف دولت آمریکا - این دشمن اصلی مردم ایران ندارد!؟

تلاش برای «بقتل آوردن» امپریالیسم آمریکا، با هر نیتی که صورت گیرد، جز گشایش راه‌های احیای سیطره امپریالیسم آمریکا نتیجه عملی دیگری نخواهد داشت. امپریالیسم آمریکا با گستاخی خاص از «منافع حیاتی» خود در حوزه خلیج فارس (۱۲) صحبت می‌کند. امپریالیسم آمریکا آشکارا دامنه «منافع حیاتی» و «حریم امنیت» منافع آمریکا را به این نوس‌هنگ و خلیج فارس گشوده است. امپریالیسم آمریکا هر روز به تقویت بیش از پیش نیروهای نظامی

امپریالیسم یک پدیده مهم اجتماعی است، که با خصائص اساسی و کلی خود مشخص می‌گردد. این خصائص اساسی و کلی که ناشی از ماهیت عمده اقتصادی - تاریخی امپریالیسم است، واقعیت عینی دارد و تابع آمیال واراده این و آن نیست. اگر بخواهیم کوتاه‌ترین تعریف امپریالیسم را داده باشیم، باید بگوییم که امپریالیسم مرحله انحصاری سرمایه‌داریست، یعنی مرحله‌ایست که تمرکز تولید و سرمایه کار را به پدیدایش انحصارات گشاده و رقابت آزاد در رشته‌های تولیدی جای خود را به انحصار داده است.

## لیبرال کیست؟

### منفرد کردن سیاست لیبرالی به چه معناست؟

شاید روزنامه «مردم» نخستین روزنامه‌ای بوده که پس از انقلاب دو مفهوم «لیبرالیسم» و «دموکراسی» را توضیح داد و گفت که هه مسئله، چنانکه در بنام ۱۶ کمیته مرکزی حزب توده ایران مطرح شده، در آنست که لیبرالها در انقلاب ایران منفرد گردند و از دموکراسی پشتیبانی شود. این واژه لیبرال بعدها در «کمیته لغات» گروه‌های سیاسی دیگر پذیرفته شد و مفهوم مشخص خود را در جامعه کنونی بعد از انقلاب پیدا کرد و اینک در مقیاس وسیعی بکار می‌رود. لیبرال در شرایط کنونی آن سیاستمداری است که از انقلاب ایران تنها مسئله «آزادبها» (آنهم آزادیهای بورژوازی) را عمده می‌کند و مایل نیست چیزی جز در این زمینه در ایران، نسبت به دوران مرسوم به «مافوق»، عرض شود. همان سیاست اقتصادی همان سیاست خارجی، منتها با این تفاوت که بجای «خانوار» پهلوی، اینک لیبرال حاکمیت را در ایران در دست بگیرد و موافق ذوق خود ایران را در چارچوب جهان سرمایه‌داری اداره کند. این سیاست لیبرال تازگی نداشت. آنها از همان اوایل انقلاب، طغیانشان تنها متوجه سانسور و بسود آزادی بود و می‌کنند که حتی شاه، بشرط آنکه تنها سلطنت کند و در امور حکومتی دخالت نوزد، می‌تواند بماند. فقط اختیار کامل دولت (و از آنجمله وزارت جنگ) را بپا دهد. کمی دیرتر، تحت فشار جنبش خلق، با خروج شاه موافق بودند ولی با ابقاء سلطنت و زادورد شاه مخالفتی نداشتند. البته لیبرالها از «زیاده‌رویهای» دولت شاه در سیاست خارجی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی ناراضی بودند و در همه این عرصه‌ها به نفعی «جراحی‌های پلاستیک» تمایل داشتند، ولی در واقع نکته مرکزی کار پایه (پلاتفرم) سیاسی آنها این بود که خودشان بیای

عمل پهلوی سر کار بیایند و با کمی نرس به همکاری با غرب امپریالیستی و سرمایه‌داری داخلی ادامه دهند. لیبرالها از همان زمان مصدق با بخش فوقانی بازار و بخش فوقانی روحانیت محافظه کار رابطه داشتند. سازمان سیاسی آنها در سابق «جبهه ملی» بود که بعدها اجزاء آن سر نوشت‌های فراوان متعددی یافتند. ولی برخی از آنها با مصطلح در بقاء در مواضع سنتی خود جان سختی نشان دادند و تمام آرزویشان این بود که روزی وزارت خارجه آمریکا از استبداد مطلقه پهلوی دست بکشد و قدر رهبری آنها را درک کند. جنبش توانایی انقلابی خلق و رهبری کاشف و آشتی‌ناپذیر امام خمینی، سلطنت مستبد پهلوی را به زواله‌دان تاریخ افکند و بدینسان نقشه لیبرالها غنیم ماند و آرزوهای آنان در این زمینه بر باد رفت. پس از انقلاب، که بدلائل مبین، بطور عمده نمایندگان بورژوازی لیبرال، دولت موقت را تشکیل دادند، لیبرالها تمام‌گیری خود را بکار بردند تا انقلاب را در چارچوب خواسته‌های محدود بورژوازی خود نگاه دارند، و اگر باز هم جنبش انقلابی خلق و رهبری طالع و آشتی‌ناپذیر امام خمینی و نهادهای انقلابی ساند کمیته‌ها، پاسداران، دادگاههای انقلابی و غیره نبود، ممکن بود که نقشه لیبرالها به نتیجه برسد. با اینحال خطر لیبرالها ابتدا و اصلا پایان نیاخته است. آنها کماکان در حساس‌ترین مراکز دولتی و رهبری انقلاب مواضعی در دست دارند. از آن گذشته کاملاً امیدوارند که بتوانند از موضع دفاعی به موضع تعرضی انتقال یابند و تا حدی انتقال نیز یافته‌اند. ما با احدى دعوی خصوصی نداریم و برخلاف خود این آقایان لیبرال، که هر جا که مستشان رسیده، در لجن‌مال کردن حزب توده ایران، بلون گفترین پروای اخلاقی و انسانی کوشیده‌اند، ما مواضع آنها را مواضع سیاسی می‌شمریم و با این مواضع از جهت سیاسی مخالفت می‌کنیم. اینکه در میان آقایان لیبرال کسانی هم باشند که با امپریالیسم روابط خاصی داشته باشند (چنانکه در همه گروها وجود چنین عناصر پلیدی ممکن است) آن امری است جداگانه، که باید در دادگاهها بنبوت رسد و تا چیزی به ثبوت نرسیده، نباید کسی را بدان متهم ساخت.

مخالفت ما با لیبرالها برای آنست که ما معتقد نیستیم که آنها با آن طرز تفکر بورژوازی خود نتوانند انقلاب ایران را به نتایج لازم برسانند. روش آنها یکبار در انقلاب مشروطه امتحان شده. روش آنها در دنیای انقلابی امروز حوصله ناچوره است.

۱- اولین نتیجه‌ای که انقلاب باید به آن برسد، استقلال واقعی سیاسی و اقتصادی است، و لازمه این کار قطع همه مجاری و رشته‌های وابستگی به امپریالیسم، بویژه امپریالیسم آمریکاست. لیبرالها به چنین چیزی معتقد نیستند. در فضای شورانگیز پس از انقلاب، آنها به سختی از مواضع نادرستی که هرگز ما را به استقلال نمی‌رساند، دفاع می‌کنند و از اقدامات قاطعی که رهبری امام بر آنها تحمیل می‌کند، سخت ناراضی و برآشفته بودند.

۲- دومین نتیجه‌ای که انقلاب باید به آن برسد دموکراسی است. ما دموکراسی را از دو جزء (و نه تنها یک جزء) یعنی آزادیهای دموکراتیک و حقوق اقتصادی و رفاهی مردم مرکب میدانیم و بخش دوم را مضمون اساسی بخش اول می‌شمریم. ما برای تأمین حقوق اقتصادی و رفاهی مردم، پایان دادن به بهره‌کشی سرمایه‌داران وابسته و زمینداران بزرگ را از محل های ضرورت میدانیم. لیبرالها به این هم ابتدا معتقد نیستند، نه برای آنکه خودشان حتماً از زمره سرمایه‌دارند، نه! در میان آنها برخی‌ها ثروت خاصی هم ندارند، بلکه برای آنکه معتقد نیستند که بهره‌کشی

### در صفحات بعد

- برنامه نامزدهای حزب توده ایران در انتخابات مجلس شورای ملی برای ایجاد نظام شورایی** - صفحه ۴
- نقض قانون قدیم کار و اعتراضات کارگران به چپاولگری‌های کارفرمایان** - صفحه ۶
- سیل، زورش بیشتر از همه به کپهای زحمتکشان خوزستان رسید** - صفحه ۵
- بچه‌ها، ۸ کیلومتر پیاده می‌روند تا بمدرسه برسند** - صفحه ۵
- دنداری از قدرت داف، محله‌ای در ۲۳ کیلومتری تهران** - صفحه ۳
- شورشیان ضد انقلابی افغانستان از جانب «سیاه سازمان» داده میشوند** - صفحه ۲

### پیام شادباش کمیته مرکزی حزب توده ایران به جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین

به مناسبت سالگرد بنیادگذاری جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین (۲۲ فوریه - ۲۳ بهمن) از جانب کمیته مرکزی حزب توده ایران پیام شادباشی ارسال شده است که در زیر به اطلاع خوانندگان گرامی «مردم» می‌رسد:

دیرکل کمیته مرکزی جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین رفیق گرامی! تالیف حوائه کمیته مرکزی حزب توده ایران یازدهمین سالگرد بنیادگذاری جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین را بشما، همه اعضای جبهه و خلق فلسطین شادباش می‌گوید. بنیادگذاری جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین و نقش ارزنده آن در سازمان آزادیبخش فلسطین نقطه عطفی در مبارزه دلاورانه مردم فلسطین علیه امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع و در راه پیشبرد حقوق عادلانه خلق فلسطین بوده است. پیوند ناکستنی که بین خلقهای فلسطین و ایران وجود دارد، از یکبار مشترک ما علیه امپریالیسم و ارتجاع سرچشمه می‌کند. مردم ما به مبارزه جانبازانه خلق فلسطین عموماً به دیده تحسین و احترام نگریسته‌اند و با شعار «مرگ بر سه مفسدین، کارتروسادات و یکین» نضرت عمیق خود را از یمن نامقدس امپریالیسم، ارتجاع و صهیونیسم، برای سرکوب نیروهای ضد امپریالیست، خلقی و مترقی ایران داشته‌اند. حزب توده ایران ضمن محکوم کردن سیاست تجاوزکارانه و اشغالگرانه صهیونیست‌های اسرائیلی، پشتیبان امپریالیستی آنها و در پیشانی آنان امپریالیسم جنایتکار آمریکا و دستیارانش در میان محافل ارتجاعی و سازشکار غرب، بار دیگر پشتیبانی کامل خود را از یکبار ضد امپریالیستی و عادلانه مردم فلسطین، به رهبری سازمان آزادیبخش فلسطین، یگانه نماینده راستین خلق فلسطین، اعلام می‌دارد. حزب توده ایران، که همواره از پشتیبانی عمیق جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین بهره‌مند بوده است، بویژه از همبستگی مردم فلسطین با انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ایران، بر رهبری امام خمینی، سپاسگزار است. اکنون که امپریالیسم آمریکا و دستیارانش در صیسه‌های نظامی- سیاسی جدیدی را در منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند تدارک می‌بینند، خلقهای منطقه وظیفه دارند که مبارزه مشترک خود را علیه امپریالیسم، سرکردگی امپریالیسم آمریکا و برای حفظ صلح هماهنگ و تشدید کنند. دریایان، پیروزیهای بیشتر شما را در مبارزه با امپریالیسم و صهیونیسم و در راه حقوق ملی و پیشرفت اجتماعی خواستاریم.

### کمیته مرکزی حزب توده ایران دبیر اول: نورالدین کیانوری

## اتحاد شوروی پشتیبان انقلاب ایران است

آندره گرومیکو، وزیر خارجه اتحاد شوروی، به مناسبت انتخابات در اتحاد شوروی نظقی در یکی از جلسات انتخاباتی ایراد کرد که از نظر اهمیت، نکات برجسته آن در زیر به اطلاع خوانندگان گرامی می‌رسد:

آندره گرومیکو، وزیر امور خارجه اتحاد شوروی، در سخنرانی خود در جلسه انتخاباتی خاطر نشان کرد که: «در سیاست واشنگتن گرایش شدیدی بسوی «جنگ سرد» مشاهده می‌شود. هدف ازین سیاست تغییر تناسب موجود نیروهای مسلح میان شرق و غرب است. این سیاست محکوم به شکست است. ما بارها در مجامع بین المللی اعلام کرده‌ایم که اجازه نخواهیم داد آمریکا چنین تقوقی حاصل کند. آمریکا تلاشی دارد که یک نظامی مورد تقاضای جمهوری دمکراتیک افغانستان را از اتحاد شوروی خطر و تهدیدی برای منابع نفت منطقه خلیج فارس محکوم به شکست است. ما بارها

## به حزب

(غزل)  
چه بیاک دلیر مارا ز خصم دل سپوش  
که از فروغ نظر پرتویی است در نگمش  
«نویده» داد که «مردم» ز راه می‌آیند  
نویده بخش شگرف است و مرده می است رهش  
تمام عمر فرسوخند، تا به توده خلق  
چراغ گشت فراراه و این بود گنمش  
شرار کینه بیاشد که این ستاره صبح  
عیان به مردم رزمنده ساخت ره زپوش  
عبث به لشکر شب بیم می‌دهید او را  
که اوست زاده خورشید و اختران سپهش  
غریب سفسطه‌اش نیز اثر نخواهد داشت  
اگر نراند ز سنگر نسیب پادشاهش  
چو مار سرد پسر خاروخس نکیرد جای  
عقاب چرخ برین است و قلله جایگیش  
چو کوه بر سر ایمان خویش پابرجاست  
که سیل حادثه هرگز نمی‌برد ز رهش  
احسان طبری  
بهمن ماه ۱۳۵۸

## نامزدهای حزب توده ایران در انتخابات مجلس شورای ملی مدافع استقلال، آزادی و منافع زحمتکشانند با انتخاب آنها، به تحقق هدفهای ضد امپریالیستی، دمکراتیک و خلقی انقلاب بزرگ مردم ایران کمک کنید



## دیداری از «قورت داغی» محله‌ای در ۲۳ کیلومتری تهران

مردم «قورت داغی» هیچ چیز ندارند، حتی قهوه‌خانه

# بچه‌ها

اهالی «قورت داغی» برای يك استحمام ساده چند کیلومتر پیاده می‌روند.

پانهای بالنده شهریار توده‌های انبوه برف را تا بلندای دیوار خانه‌ها تاباشته است، برشها از بالای دیوارها گردن کشیده‌اند و از اینسو چونان آبشاری صامت قندیل پسته‌اند. سرما تا مغز استخوانها نفوذ میکند. انگار از خود می‌گریزد و پناهگاهی گرم می‌پوید. باد همچنان زوزه می‌کشد و برسینه خانه‌های زهار دررفته تازیان می‌زند. سینه‌ای تپه‌هایی که ز آنسو خانه‌ها قامت کشیده‌اند، زیر سم توفنده باد صاف و هموار شده است. در آسمان، شولای ابر، برشانه‌های خورشید بسیره‌ق سنگینی میکنند. هر چند یکبار خورشید از پشت ابرها سر برمی‌آورد و از چراگاه زمین برشها را وچین میکند.

جاده‌ای که از میان منطقه می‌گذرد و پشت تپه‌ها از چشم فرو می‌افتد، اکنون زیر دامن بلند برف پنهان مانده است. در میان مناطق گونه‌گونه قلمه حسن‌خان، قورت داغی، بردمانه‌های خشن طبیعت، ساکت و آرام درخود فروزیده است.

اقوییل باغش سبب جاده رامیللمد و پیش می‌رود. هنوز ۲۳ کیلومتری از تهران دور نشده‌ایم که سه راهی «قلمه حسن‌خان» ازدور رخ میکند. با اینحال راه درازی در پیش است. باید جاده نازنده‌ای را که مانند روپانی سبید و بلند در میان خانه‌ها افتاده است، درنوردیم و از سینه تپه‌های برفانلود بگذریم.

راننده که انگشت هایش از سرما خشک شده است، زیر لب زمزمه میکند: «شانس آورده‌ایم که برف و بوران از نفس افتاده است، وگرنه رفتن به قورت داغی (کوه گرگ) ممکن نبود. هر وقت هوا برفی است دردمر می‌مانیم. چاره‌ای نیست، باید ساخت.»

چندین محله را بزحمت پشت سر گذاشته‌ایم که جاده بیچی بر میدارد و درقلب قورت داغی، در میان هیماه‌های انبوه برف گم می‌شود.

بنجار از پشت خانه‌ها به بیراهه می‌زیم و در جوار آخرین دیوارهای قورت داغی سر برمی‌آوریم. سرمای هوا توانسته است بچه‌ها را پای بند خانه کند. بیرون آمده‌اند و با گلوله‌های برف علامت‌رانشانه می‌روند. از سرمامور و مورشان میشود، اما همچنان بازیگوشی، دست‌کم امروز از غوغای کمربس‌های سنگین که هر روز غرش کتان به معادن آنسو قورت داغی دردل تپه‌های آماسیده می‌روند و با فریاد جان‌خراش بوقهای خود باز - می‌گردند، راحتند. آخر تنها جاده‌ای که کمربس‌ها را از قلب قورت داغی بمعادن شن و ماسه می‌برد و جان صدها کودک را تهدید میکند، زیر پشته‌های انبوه برف سدود مانده است.

رفته‌رفته بچه‌ها با گلوله‌هایی منرغو دستای گبود در زمان حلقه می‌روند. برایمان جای داغ می‌آورند. چند نفری از پیش‌کسوتان قورت داغی را که اطرافمان

### جاده مرگ

دبیترین مسئله، جاده خاکی اینجاست که کمربس‌ها را از میان منطقه به معادن شن و ماسه در آنسو قورت داغی می‌برد. «سینه‌های رضوایی متضامن امور ساختمانی ادامه میدهد:

«کمربس‌ها دیوانه‌وار می‌آیند، جان دها کودکی که به ملت نداشتن وسایل تفریحی در کوجه‌ها بازیگوشی می‌کنند، درخطر است. ماهر روز درانتظار سرگ خانه هارا ترك می‌کنیم. اگر يك جاده کمربندی می‌کشیدند، خیالمان راحت‌تر بود. ده روزی است که بطور آزاد از تیرهای فشارقوی، برق بمنطقه کشیده‌ایم، اما به ملت نبودن ترانس، برقا ضعیف است و چاره درد نیست. آب آشامیدنی را از تانکرها می‌خریم. هر تانکر آب که ۱۵ روز را بزحمت در آب - انبارها دوام می‌آورد، ۱۶۰ تومان است. مدتی قبلیمی از خیابان‌ها بیپناهانه‌های آب کشند و پس از ناهق کردن آن رفتند. آنچه برایمان مانده است، زوزه گرگها و فریاد بادهاست. مادریانجا از ابتدای ترین وسایل زندگی محروم و حتی امنیت هم ندارند.»

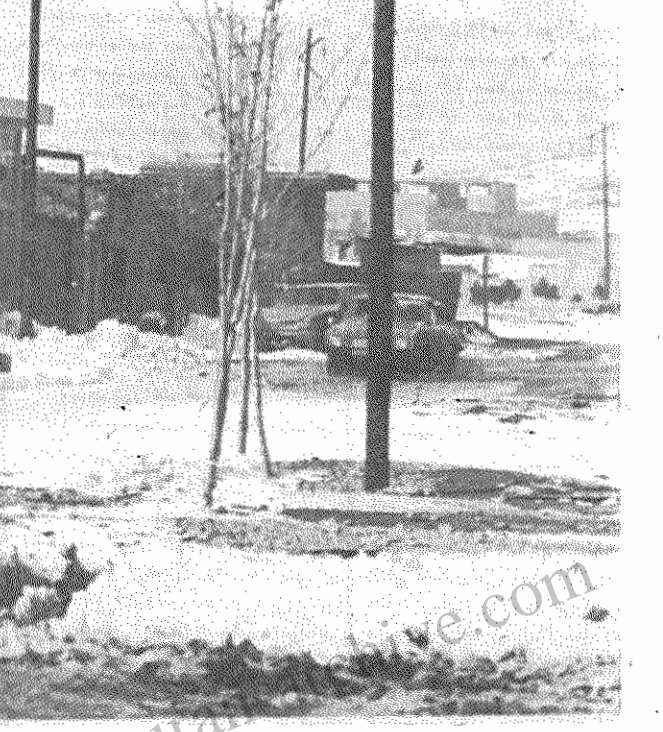
### قتل در قورت داغی

رضوایی می‌افزاید: «همن دو هفته پیش بود که جوانی را در تپه‌های آنسو قورت داغی بقتل رساندند. پیدایبود که او را از جای دیگری آورده‌اند. وحشت سراپای بچه‌ها را گرفته بود. زنها از ترس می‌لرزیدند. از آن‌سوی بندرت کسی جرات میکند به تپه‌ها نزدیک شود. امنیت که نیست، انگار هیچ چیز نیست. مدتی است کار سرعت در قورت داغی بالا گرفته است. هفته‌ای نیست که سارقین به خانه‌های مستبرد نزنند، نه شهربانی، نه ژاندارمری و نه يك کمیته کوچک انقلاب، هیچگونه کنترلی برای برقراری امنیت در اینجا صورت نمی‌گیرد. بچه‌ها



برف تنها وسیله بازی بچه‌ها! مسلماً آنها بخاطر داشتن این «اسباب بازی» مدیون هیچ يك از بزرگترها نیستند

## ۸ کیلومتر پیاده می‌روند تا به مدرسه برسند...



اینجا «قورت داغی» است. محروم از آب، برق، تلفن، سرویس اتوبوسرانی، حمام، جاده آسفالت، مدرسه، درمانگاه، شهرداری، داروخانه و...

### از زیر آوار نیرو بر آورده‌ایم

باد سوزناک از نفس افتاده است. بچه‌ها آرام گرفته‌اند و در چشم هایشان دیگر نشانی از بازیگوشی نیست. انگار غمزه‌اند. شاید به فرادهای غم‌انگیز خود می‌اندیشند. فرادایی که بیایست زیر هر داغ آفتاب و زمربیر سرد زمستان از میان خاگ و خاشاک فاصله ۸ کیلومتری قورت داغی - قلمه حسن‌خان را برای حضور در کلاس درس طی کنند. آخر در قورت داغی از دبستان و دبیرستان آثری نیست. صبحا اگر از زاویه‌ای چشم‌انداز قورت داغی را بنگرید، کودکان و نوجوانان را می‌بینید که یا تالاب چشمگیر سینه تپه‌ها را درمی‌نوردند و از میان تالاب‌های بویناگ به مدرسه می‌روند. زمین پرفراز و نشیب قلمه حسن‌خان و قورت داغی با صدای پای یکایکشان آشنا شده است. لاطمی، مرد میانسانی از قورت داغی، سکوت چندلحظه‌ای را از میان بر میدارد:

## قنوس

از دور دست تاریخ می‌آید. . . . . جسدش را از گاه انباشتند و در دروازه‌ها به تماشا گذاشتند. از یونان تا رم از معادن تا میدان‌های سیرک زخم‌ها پر پیکر دارد از تغه تیور در قرون سیاه کف پرلب دارد. می‌آید و زنجیر دستانش زاده و توش راه اوست. به يك نطقه امانش ندادند آسمان پراوپارید سیل مرکبش را بکام کشید طوفان پراوراه گرفت و دشمن با تیار باستانی خود هر زمان برنگی چهره آراست.

شوالیه زحمت میسر طوفان دیر زمانی هم در دیار «گل‌ها» راند آتش در ظلمت «خورشیدشاه» افکند و از لیون تا پاریس در صور اسرافیل دمید. برقله تیور سرود سرخش را پای گویدد نمائد تاخت آورد از پلر و گراد تا پراگ و زهایشوتنگ تا هاوانا بدر آفتاب افشاند از گردباد خاکسترش هرچا کبریای عشق به عرش رسید! **جهانبخش** فروردین ۵۷ لویی چهاردهم خود را چنین لقب داده بود



اینجا «قورت داغی» است. محروم از آب، برق، تلفن، سرویس اتوبوسرانی، حمام، جاده آسفالت، مدرسه، درمانگاه، شهرداری، داروخانه و...

شون می‌کرد. کسی نبود او را از چنگال توفان نجات دهد. گریه‌ام گرفته بود. می‌بینید از دیدختی است که ما اینجا هستیم. سرشان را در دریا می‌زنیم. ما برای کشیدن کابل برق ۵۳ هزار تومان جمع کردیم و بی حساب بانک ملی شصه صلی شاه عوضی رفتیم. با اینحال از کابل کسی خودداری کردند. رئیس اداره برق منطقه غرب گفت: هر کار می‌خواهید بکنید، ما به شما برقی نمی‌دهیم. اصلاً من از مردم قورت داغی خوشم نمی‌آید!

منطقه را که ترك می‌کنیم، صدای علیرضا، محصل ۱۶ ساله قورت داغی در گوشه‌هایم زنگ می‌زند: «هر روز باید ۸ کیلومتر پیاده‌روی کنیم... در هر کلاس مدرسه ما ۷۰ محصل بزور جا داده شده‌اند... تازه اگر معلم‌ها به پانه‌های مختلف غیبت نکنند، وقتی به مدرسه می‌رسیم، تمام لباسی‌مان گلی شده است. گاهی تا سینه در تالاب‌ها فرو می‌رویم، و تازه وقتی به مدرسه می‌رسیم، به پانه‌ریزش برف و باران مدرسه تعطیل شده است. جدها همه از این وضع خسته شده‌اند. چند روز پس از بازگشت از قورت داغی خبر می‌آورند که یکی از کامیونهای مرك آفرین معادن قورت داغی، زن میانسانی را زیر گرفته است و اکنون چند کودک بیگناه یتیم شده‌اند.

**روزهای یکشنبه: مردم بزبان کردی**  
هموطنان کرد مقیم تهران میتوانند روزنامه مردم بزبان کردی را، که روزهای یکشنبه منتشر میشود، از کیوسکهای مختلف تهران دریافت دارند.

**نام نویسی در حزب توده ایران**  
کارگران و زحمتکشان هوادار حزب توده ایران که می‌بایند در حزب ثبت‌نام کنند، ولی در ایام هفته فرصت اینکار را ندارند، می‌توانند روزهای جمعه از ساعت ۱۱ تا ۱۴ صبح و از ۱۷ تا ۲۰ بعد از ظهر به دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده مراجعه داشته باشند.

**نمایشگاه سالروز انقلاب تا ۸ اسفند تمدید شد**  
اسناد، عکس، پوستر، طرح و نقاشی... همراه با نمایش اسلاید، فیلم و...  
۲۱ بهمن الی ۸ اسفند همه روزه از ساعت ۱۰ صبح الی ۶ بعد از ظهر محل برگزاری، نمایشگاه بزرگ دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران  
سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران

# لیست اسامی کاندیدها در انتخابات استانی



### در مطبوعات کشور

نشینی است و بالانس از آن، با مذاکره رودر رو میتوان دشمن را شکست داد، دیگرمبارزات مردم در این میان چه محلی از اعراب دارد؟ درحقیقت پیروزی انقلاب ناشی از پیش خاس امام بود که «اصالت مردم» را در مبارزه با دشمن برسمیت می شناخت، بر اساس این پیش، پیروزی بر دشمن آنگاه است که مردم بسیج شوند و قارغ از هر نوع «لاحظه کاری» بر دشمن یورش ببرند. دقیقاً بهمین دلیل است که امام هر گونه مذاکره ای را رد می کند، زیرا دشمن در مذاکرات یک امتیاز میدهد تا مسک امتیاز بگیرد.

(جمهوری اسلامی، ۲۷ بهمن)

### اصالت مردم

این روزها سخنانی بر سر زبانت است که نشانه های طرز تلقی جدیدی از انقلاب است. شاید هم این طرز تلقی جدید نباشد ولی جدیداً عدای در صدد نشر و ترویج دادن آنند.

بر اساس این پیش، پیروزی انقلاب ناشی از مسکرات با جاسوسان آمریکایی و مقامات سفارتخانه ها و فرماندهان و امرای دست نشانده شاه خائن بوده است! در این میان چنین استدلال میشود که اگر چنین مذاکراتی در جریان نبود، تمداد بیشتری شهید می شدند و در نتیجه این مذاکرات در کشتی میزان کشتارها تأثیر بسزایی داشته است. پاسخی که

در این رابطه میتوان ارائه کرد اینست که حتی به ادعای همین افراد، این مذاکرات (البته شاید نه باونستی که قبل از پیروزی انقلاب بوده است) پس از سال ۳۲ آغاز شده است و با این حساب ۲۵ سال ادامه داشته است. علت چیست که در این ۲۵ سال مذاکرات به پیروزی نرسیده؟ پاسخ روشن است. وقتی چنین تصوری بوجود می آید که دشمن با مذاکره حاضر به عقب



آنچه در درجه اول قربانی سیل شد، زندگی زحمتکشان است. همان آلونکها و کپرهای میوات رژیم شاه مخلوع

# سیل زورش بیشتر از همه به کپرهای زحمتکشان خوزستان رسید

- سیل خوزستان زندگی کپر نشین های خوزستان را نابود کرد.
- مردم زحمتکش در محلات سیل زده و فقیر به چادر، پوشاک، غذا، موتور پمپ، بخاری و ... احتیاج داشتند، اما خبری نبود. کمک خیلی دیر رسید.
- کاری کنیم که در سیل بندی آلونک های گلین و خانه های محقر بوسر زحمتکشان آوار نشود

پلها ازین رفته بودند. حاصل کار کشاورزان، هکتارها زمین شنبه زده و کشته شده زیر آب بود و به قول استاندار خوزستان، در ناحیه های مثل اهلبه، رامشیر، شلم، آبه و دهات اطراف آن وضع بگولهای بود که از بالا چیزی جز آب دیده نمی شد. و باز بنا بر گفته استاندار خوزستان، «وضع طوری بود که امکان رسانیدن کمک به مردم جز از طریق هوا ممکن نبود».

اما امداد هوایی ضعیف بود و به بسیاری نقاط، هنگامی که دیگر کمک لازم نبود، کمک رسانیده شد. مردم به دنیا وسیله ضروری از جمله چادر، پوشاک، غذا، موتور پمپ، بخاری و ... نیاز داشتند و بسیاری از این کالاها در دسترس نبود. یکی از اهالی اموازی می گفت:



دوشنبه ۲۲ بهمن، با دوشنبه های سالهای گذشته هیچ تفاوتی برای مردم خوزستان نداشت. باز هم آسمان آبری بود و باران آمد و آنگاه سیل.

پانزدهم صفت خانه های زحمتکشان هر کف کوچی ها روان بود دیوارهای صیری، دیگر دیوار نبودند، آوار بودند. سیل، مثل همیشه، بیشتر از همه به مستضعفان لطمه زد. آنچه قربانی سیل شد، زندگی محقر زحمتکشان شهرها و روستاهای خوزستان بود.

رگبار شدیدی که چندین ساعت خوزستان را زیر ضرب گرفته بود، پس از مدت کوتاهی سیل را در خوزستان جاری ساخت، و در تقاطعی که آب را به جانی راه نبود، رودخانه های موجود آورد که بسترشان اتاقک های صیری زحمتکشان میهن ما بود. کپر نشین های خرمن شهر قبل از همه میهمان ناخوانده داشتند. آبی خانه خراب کن به میهمانی آنها آمده بود. آنها از کپر ها بیرون ریختند و طلب کمک شهر را پوشاند. پیر زنی تالان می گفت:

«آب ما را برد، مردم کمک گنیدند و مریدی خشمگین و هراسان فریاد زد: «بچه ام، بچه ام تا گردن در آب است، غرق میشود، نجاتش دهید».

وجوانی می گفت: «امروز سالگرد انقلاب است، ولی من چطور انقلاب را جشن بگیرم؟ هر سال همین مصیبت را داریم».

کجک عازم فرمانداری شدند، اما تا آنجا برسد، مردم خود دست یاری به یکدیگر دادند و با سطل و دیگ و بیسل دست به کار شدند. مردم از نقاط مختلف طرف این محله سرازیر شدند. آنها سطل سطل آب جمع می کردند. اما کجا می ریختند؟ آب اتاق را به حیاط، آب حیاط را به کوچه و آب کوچه بازمیهمان خانه دیگری بود. خانه ها نسبت به کوچه ها گودترند و همین امر از پیشرفت کار جلوگیری می کرد.

هنوز مسئولین نرسیده بودند. اما آب همه جا حاضر بود. مردم در وسط خیابانهای اصلی جوی جوی می کردند تا لاقل قسمتی از آب به وسط خیابان سرازیر شود. اما خیابان هم وضع بهتری نداشت. باران می آمد و می آمد و آنچه آنرا با ساختن کوبه، پیلها و دیگها بود. چاه های مستراح

سیل در زمان آناهتور هم بود. آن موقع ها اعتراض که می کردند، ما را تهدید می کردند که از همین آلونکها هم بیرونمان می کنند. اما اسام این جوان ها و مردم بدامان رسیدند. آخر، می دانید نم باران هم زخمی برد ماست. ما این دو سه روزه که باران می آمد، به فرمانداری رفتیم. آن ها گفتند بروید شهرداری. رفتیم شهرداری، گفتند بروید شورای شهر. بلاشهره چه کسی باید جواب ما را بدهد. یکسال است که از انقلاب می گذرد...

جلوگیری از سیل های خوزستان کار دشواری نیست. وصل فاضلاب محله های خرمن شهر، که فاضلاب آن بطور کلی اگو کشی شده است، کار دشواری نیست، ساختن خانه های مقاوم در برابر سیل و زلزله به زمان و طرح ریزی و آمد و رفت و تشکیل هیات های گوناگون احتیاج ندارد. مردم انتظار دارند که در دوران انقلاب شهرداریها و فرمانداری های خوزستان به خواست آنها در مورد ساختن خانه ها پاسخ سریع و مثبت دهد.

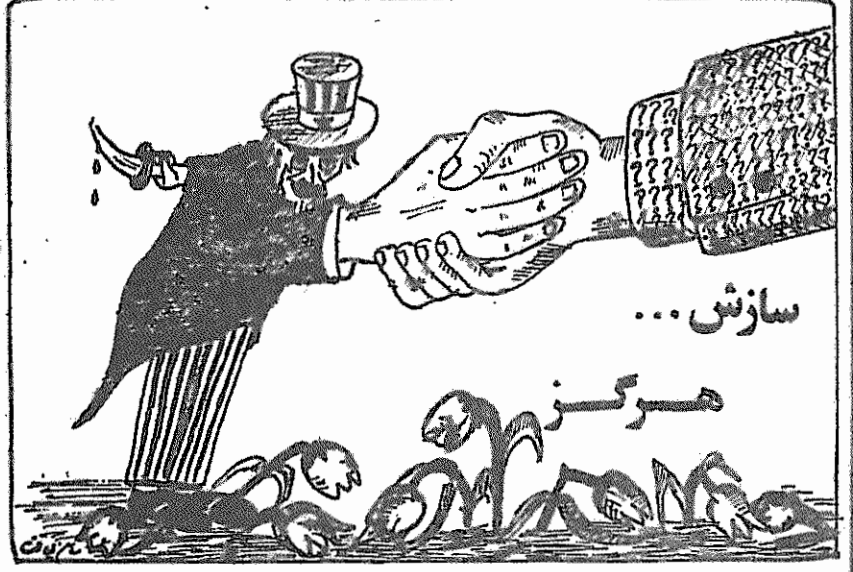
همین شهر بازم پنهان خواهد کرد. کرخه خاموش نخواهد شد و سطح آب کارون بالا خواهد رفت. اما آلونک های گلین و خانه های محقر دیگر نباید هراسان بر سر زحمتکشان این مرز و بوم آوار شوند.

نیروی اصلی کمک، مردم و جوانها بودند. آنها در حالیکه شمار می دادند: اتحاد، اتحاد علیه امپریالیسم، به مردم با تمام نیرو کمک می کردند.

برای کمک دراز می شد. مردم دست را می گرفتند و هر قطره آبی را که می توانستند، از محل دور میکردند، اما بی پایه بود. باید تسلیز دکان را از خطر دور کرد. بلافاصله اتومبیل ها دست بکار افتادند و یکی گفت: «ایمن چشمه موهبی است که دولت پوزش نامی گذارد. تا سیل راه می افتد پمپ می آورند، آب تقطیه می شود و بعد باز بارندگی بعدی، حق بود مسئولین مملکت در طول یک سال که از انقلاب می گذرد، در این مورد چاره اندیشی جدی می کردند».

جوان ها کاری کردند و فریاد می دادند، کاری کردند و فریاد می زدند،

اتحاد، اتحاد علیه امپریالیسم، اتحاد، اتحاد علیه مستکبرین، دستها در کار بود، مردم سفتی فریاد می زدند و هر لحظه



آیت الله منتظری: ملت کار دانشجویان را نالید می کند

### ملت کار دانشجویان را نالید می کند

این عمل دانشجویان مسلمان بیرون خط امام که انبیا مآده اند و یکدیگر را در سفارت گروگان گرفته اند، این عمل را عمل موجهی تشخیص میدادند. در حقیقت خواسته ملت ایران، ملتی که حدود صد هزار شهید، حدود صد هزار معلول و تضریب یافته است این همه خسارت های مادی، منزلهای مردم را آتش زدند، اموال عمومی را آتش زدند، ملتی که این همه خسارت دیده اشغال این مرکزی که اسمش سفارتخانه است اشل ریچارد هلن وسولیوان اینچا را پایگاه قرار داده بودند، برای تقویت رژیم طاغوتی حاکم ایران و وسیله جاسوسی برای سایر کشورهای جهان سوم پایگاه جاسوسی برای جهان سوم) قطعا این ملت کار دانشجویان را نالید می کند البته ما دلمان میخواست کار به اینجا نکشد ولی متأسفانه با آن عملی که سفارت آمریکا در ایران انجام می داد ملت این سفارت

را مرکز این جنایات تشخیص داده و قهر دانشجویان خط امام همان خواست ملت را اجرا کرده اند و بنا اینکه مدارکی هست که این اشخاص در این جنایات سیم بوده اند و جاسوس بوده اند و کارشکنی داشته اند نسبت به ایران ولی عبدالله حضرت آیت الله العظمی امام خمینی فرمودند که آن کسی که جانی است (شاه) او را تحویل بدهند. تا بحال این همه حمایت کرد و این همه حمایت که از آمریکا دید، دیگر حالا از این به بعد حمایت نکند. تحویل بدهند. و ما تجدید نظر میکنیم و گروگانها را آزاد میکنیم ولی متأسفانه دولت آمریکا لیب کرد و احساسات برادران و خواهران ایرانی مسلمان را نادیده گرفته اند و شاه را بالاخره هرچوری بود از آمریکا بیرون بردند و ما الان معتقدیم پاناما هم در اختیار امریکاست شاه در پاناما هم هست با آمریکا فرقی نمی کند. (جمهوری اسلامی، ۳۰ بهمن)

### زمان گرفتن حقوق از دست رفته همه رنج برده ها و زجر کشیده هاست

اکنون که برای نخستین بار تاریخ تازه ایران به عنوان جمهوری اسلامی برقراری گشته است زمان گرفتن حقوق از دست رفته هاست. برده ها و زجر کشیده هاست. می توانید در دهکده اتزان، پیر مردان، بچه های کوچک، قیافه های تکیه و فقیر را ببینید که با وضی نزار، سیکار، یا شاخه گل، بادکنک و یا آدامس می فروشند. جناب دادستان محترم، این سحنه ها را از درون می خورد، آنکه سواره است با آنکه پیاده و با دستمالی قیامتین شمار می رود تا پولی دریافت کند و گذران زندگی خوش نماید، این هر دو باید بر این شوند و باید بالاخره به صورتی میان سواره ها و پیاده ها تعادلی برقرار ساخته و به خدا سوگند سهل انگاری و چشم پوشی شما از طاغوتیان جن این نتیجه اش نیست که روزی روزی بر خیال بیکارها، فقیران و آوارگان افزوده شود، برادران تقابلی من، وطنی شما است تا به نوبه خود کمکی در از میان برداشتن این سحنه ها نالید

ملت مسلمان، سلطان قابوس ورژیمش را انتخاب نکرده بلکه انگلستان او را منصوب کرد. سلطان قابوس انقلابیون را زیر پوشش کمونیست و کافر قتل عام میکنند. در نیمه سال ۱۹۷۹ هتاری کیسینجر وزیر سابق امور خارجه آمریکا دیدار بسیار سری از ظفار بعمل آورد. قوه مجریه و مقننه در کشور عسنان در اختیار انگلیسی هاست. هنوز فرمانده گل شهبانی و امور گمرکی، شخصی انگلیسی الاصل است و نامش «دی سلفا» میباشد. (جمهوری اسلامی، ۳۰ بهمن)

که تنگ انقلاب اسلامی است، خدای سوگند وقتی یک طاغوتی از تیغ قضاوت شما می گزید، من اران بدبخت و فقیر و اقربا، بازم در فقر و بدبختی و آسردگی خویش باقی می ماند.

دیگر آنکه عنوان کرده اید، انقلاب، گوا اینکه میزان دقیق دگرگونی اجتماعی را با آن انقلاب به سختی می توان اندازه گرفت اما کوتاه میتوان گفت علی را با زور کرد که هیچ کاشی سر بلند نشد مگر آنکه حتی مظلومی در زیر آن مدفون گشت و شما به سادگی می توانید دنیا بیکه بسیاری از کاغها و ثروت ها که به اشکال گوناگون بنا شده باید حقوق مستضعفین را از بیخ و بن آن بیرون کشید و اینکار را بی رحمانه باید

## برای مقابله با تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

